

هم‌سنجی مفهوم حدیثی «ازدیاد ایمان» با «رشد ایمان» در نظریه جیمز فاولر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۲

۱ عبدالهادی مسعودی
۲ عباس صادقی
۳ میرعماد شریف

چکیده

روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، تعبیر «ازدیاد ایمان» را درباره تحولاتی در انسان مطرح می‌کند که علاوه بر بُعد اعتقادی و عبادی، ابعاد دیگر روانی و رفتاری وی را نیز در بر می‌گیرند. از دیگر سو، نظریه روان‌شناختی «مراحل رشد ایمان» جیمز فاولر، چپستی «رشد ایمان» را در قالب «افزایش و بهبود مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی در طول عمر» به تصویر می‌کشد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با جمع‌آوری و بررسی مفهومی مهم‌ترین روایات دال بر تعریف «ازدیاد ایمان»، این مفهوم حدیثی را با «مفهوم رشد ایمان» در نظریه فاولر مقایسه کند. از بررسی روایات چنین نتیجه می‌شود که «ازدیاد ایمان» تحقق، تثبیت و تعالی اجزا و شاخص‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، اخلاقی و اجتماعی ایمان در ساحت‌های: روان، رفتار و گفتار انسان است. فاولر نیز با وجود عدم التزام به متعلقات الهی و وحیانی ایمان و فقدان سرمشق انسانی مطلق و کامل، معتقد بود که «جهت‌گیری رشد ایمان به سمت سطوح پیشرفته‌تری از ادراک، یکپارچگی، ساختن معنا و روابط میان فردی است».

کلیدواژه‌ها: حدیث، رشد ایمان، ازدیاد ایمان، جیمز فاولر.

۱. دانشیار گروه حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم (Masoudi@qhu.ac.ir).

۲. دانشیار گروه مشاوره و علوم تربیتی دانشگاه گیلان (asadeghi1394@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول) (miremad.sharif@gmail.com).

۱. مقدمه

«ایمان» از ریشه «امن» و به معنای «آرامش دل»^۱ و نیز تصدیق و راست پنداشتن است.^۲ «ازدیاد ایمان» نیز از اهداف «تربیت دینی» است و قرآن کریم بارها فزونی ایمان مؤمنان را ستوده و گاه از چگونگی تحقق این فزونی سخن گفته است؛^۳ برای مثال، خداوند «نزول آرامش قلبی» را سبب «فزونی ایمان» دانسته و به خویش نسبت داده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾^۴

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند. براساس همین آیه، «آرامش روانی» و خودداری از بروز تنش‌های هیجانی، موهبتی الهی است که با هدف «ازدیاد ایمان» نازل می‌گردد.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز «امکان ازدیاد ایمان»، به طور گسترده‌ای بیان شده است. امیرمؤمنان علیه‌السلام ایمان را نقطه‌ای نورانی خوانده که با افزایش آن، نور قلب فزونی می‌یابد:

إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو مُنْظَةً فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا زَادَ الْإِيمَانُ زَادَتِ اللَّمْظَةُ.^۵

آشکاراست که روشن تر شدن دل، به معنای مادی آن نیست، بلکه مراد آن است که فضای ذهن و جان فرد به سبب «ازدیاد ایمان» از تاریکی و تشویش‌رهایی می‌یابد و فرد به معرفتی ژرف‌تر و بصیرتی وسیع‌تر دست می‌یابد که از اهداف تربیت دینی است.

علاوه بر این، ائمه علیهم‌السلام، به مراحل مختلف ایمان اشاره نموده‌اند. امام صادق علیه‌السلام ضمن بیان این نکته که ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد، به عبدالعزیز قراطیسی درباره مدارا با افراد مراتب پایین سفارش نموده است.^۶ در روایتی از امام باقر علیه‌السلام، نیز مؤمنان هفت طبقه دانسته شده‌اند.^۷

این روایات نشان‌دهنده «وجود» مراحل مختلف ایمان است، نه «تعداد خاص» آن‌ها؛

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲. همان؛ العین، ج ۸، ص ۳۸۹؛ المحيط فی اللغة، ج ۱۰، ص ۴۱۴.

۳. سوره فتح، آیه ۴؛ سوره انفال، آیه ۲؛ سوره نساء، آیه ۹۵؛ سوره حدید، آیه ۱۰.

۴. سوره فتح، آیه ۴.

۵. نهج البلاغه، ص ۶۸۹.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۷۴-۷۵.

۷. همان، ج ۴، ص ۷۶.

چنان‌که از عباراتی چون «ازدادَ الْإِيمَانُ» در روایت امام صادق علیه السلام و «يُضَعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ» در روایت امام باقر علیه السلام برمی‌آید که «ایمان» امکان «ازدیاد و افزایش» مرحله‌ای دارد، و قید موجود در روایت امام صادق علیه السلام «فَأَزْفَعُهُ إِلَيْكَ بِرِفْقٍ» نشان می‌دهد که افزایش ایمان، ممکن و مطلوب است؛ لکن قواعد و روش تربیتی ویژه خود دارد و باید همدلانه و با ملاحظه «قابلیت و مرتبه فرد» توأم با «مدارا و ملایمت» صورت پذیرد.

افزون بر این، هر فرد نسبت به تربیت خویش و افزودن مراتب ایمانی خود نیز مسئولیت دارد که این امر بر اهمیت توجه به موضوع می‌افزاید. تشویق مؤمنان به درخواست مدارج بالاتر ایمان در دعای «مکارم الاخلاق» آمده است:

اللهم... بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ.^۱

این عبارت می‌فهماند که «کمال ایمان» نیز دارای مراتبی است و پس از کمال ایمان، امکان ازدیاد آن تا مرتبه «اکمل» و برتر نیز وجود دارد و بهتر است که این مقام ارجمند، هدف و مطلوب مؤمنین قرار گیرد.

با این مقدمات، سزاوار است تا به منظور تربیت معنوی خود و دیگران و سیر در جهت تعالی ایمانی، چیستی و چگونگی رشد ایمان را از «مراحل آغازین» تا «مراحل متعالی» بررسی و ببینیم که فرد باید دچار چه تحولاتی در ابعاد مختلف وجودی شود تا مفهوم «ازدیاد ایمان» درباره او صدق نماید؟

اگرچه دانشمندان اسلامی به تبیین کلامی این موضوع پرداخته‌اند - که بدان‌ها اشاره خواهد شد - لکن مراجعه دقیق‌تر به روایات ناظر به افزایش یا کاهش ایمان، ما را به جنبه‌های «روانی و رفتاری» گسترده‌ای رهنمون می‌کند که کمتر مورد توجه قرار گرفته و در لابه‌لای مباحث اعتقادی کم‌رنگ شده‌اند.

به علاوه، افزون بر متون اسلامی و سخنان دانشمندان مسلمان، برخی دین‌شناسان و روان‌شناسان معاصر نیز با بهره‌مندی از علم تجربی به تبیین جدیدی از موضوع ایمان و رشد آن پرداخته‌اند. در این میان، نظریه کشیش الهی‌دان و روان‌شناس امریکایی، جیمز فاولر،^۲ مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران حوزه دین و روان‌شناسی قرار گرفته است.

۱. صحیفه سجادیه، ص ۹۳.

2. James. w. fowler.

۱ - ۱. پژوهش‌های مرتبط با نظریه فاولر

پس از نشر کتاب مراحل ایمان فاولر در سال ۱۹۸۱م، تنها در مدت ۲۵ سال، بیش از دویست پژوهش مرتبط با آن انجام شد.^۱ اکمان پی سی تام،^۲ دانش‌آموخته دانشگاه اوتاوا و استاد ادیان و روان‌درمانی، در مقاله «نظریه ایمان و هدایت معنوی»^۳ به تبیین دیدگاه او پرداخت. استفن پارکر^۴ استاد دانشگاه رجنت^۵ ویرجینیا، در مقاله «تحقیق درباره نظریه توسعه ایمان فاولر»^۶ به ارزیابی میدانی آن پرداخت. ربکا پاول استنرد^۷ و لیندا سی پینتر،^۸ دانشیاران دانشگاه جورجیا در مقاله «استفاده از مدل توسعه ایمان در مشاوره دانشکده»^۹ از نظریه فاولر بهره بردند. در ایران هم مقالاتی مانند: «کاربرد نظریه توسعه ایمان جیمز فاولر در اسلام»^{۱۰} و «نظریه رشد ایمانی فاولر، چهارچوبی برای تربیت دینی»،^{۱۱} در کنار معرفی این نظریه، برخی از توصیه‌های روایات درباره نحوه ارتباط با کودک و نوجوان را در این دوره‌ها مطرح کرده و به بعضی از انتقادات وارد بر دیدگاه فاولر اشاره نموده‌اند. همچنین کتاب مثلث ایمان^{۱۲} از جمله آثار علمی است که صفحاتی را به معرفی این نظریه اختصاص داده است.

۱ - ۲. روش و مراحل پژوهش

مقاله حاضر با بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌های «حدیثی» برای باز تعریف «ازدیاد ایمان» و با نگاه به «تعریف رشد ایمان از نگاه فاولر»، به تبیین دقیق‌تری از معنای روانی و تربیتی «ازدیاد ایمان» پرداخته و به برخی از هم‌سویی‌ها و تفاوت‌ها با دیدگاه فاولر اشاره کرده است؛ بدین صورت که ابتدا نظریه فاولر را در «تعریف رشد ایمان» به اختصار بیان می‌کنیم و سپس

۱. «نظریه رشد ایمانی فاولر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۶۷-۷۹.

2. Ekman P. C. TAM.

3. faith development theory and spiritual direction.

4. Stephen Parker.

5. Regent University.

6. Research in Fowler's faith development theory.

7. Rebecca Powell Stanard.

8. Linda C. Painter.

9. Using a Faith Development Model in College Counseling.

۱۰. اثر غلامرضا متقی فرد در مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، موسسه پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.

۱۱. اثر رؤیا رسولی، احمد زندوانیان و راضیه طیبی، مجله علمی پژوهشی ادیان و عرفان، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.

۱۲. نوشته دکتر محمد علی مظاهری، حجة الاسلام دکتر عباس پسندیده و منصوره صادقی.

«چیستی ازدیاد ایمان» و ابعاد تربیتی آن را از منظر معصومان علیهم‌السلام می‌کاویم. از این رو، ماهیت و اجزای ایمان را بررسی کرده و به برخی تحولات در «ساحت عقل و قلب» و «رفتار» و نیز تحولات مرتبط با «رشد شناختی»، «رشد اخلاقی»، «رشد عاطفی و هیجانی» و «رشد اجتماعی» اشاره می‌کنیم. برخی توانایی‌های برخاسته از این رشدها - که حاصل «ازدیاد ایمان» است - نیز بیان می‌گردد و در پایان، مقایسه‌ای بین این دو دیدگاه انجام می‌شود.

۱ - ۳. پیشینه مفهوم‌شناسی «ازدیاد ایمان» در آثار دانشمندان اسلامی

پژوهش‌های انجام شده در باره «ایمان»، بسیار بیش از آن است که بتوان نام برد. همچنین بحث‌های مفصلی درباره «ازدیاد ایمان»، به وسیله فرق مختلف کلامی صورت پذیرفته است. ایزوتسو، اسلام‌شناس ژاپنی، در کتاب مفهوم ایمان در کلام اسلامی، به نظریات دانشمندان غیرشیعی درباره موضوع «ازدیاد و نقصان ایمان» پرداخته و آرای کسانی چون ابن حزم، غزالی، ابن تیمیه و... را در تشریح مسأله «ازدیاد ایمان» بیان کرده است.^۱

عالمان شیعی نیز اختلاف مراتب ایمان را شرح داده‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله افزون بر مباحث کلامی، در رساله اوصاف الاشراف، به بیان عارفانه مدارج مختلف رشد انسان و سلوک الی الله پرداخته و به ذومراتب بودن ایمان اشاره کرده است. او ایمان را از زبان تا ایقان درجه بندی می‌کند.^۲

صدرالمتالهین شیرازی رحمته‌الله نیز در تفسیر القرآن الکریم خویش، از الگوی هرمی نظام هستی در تفکر فلسفی خود بهره می‌گیرد و ایمان را امری مشکک و ذومراتب می‌داند؛ از ایمان ابتدایی تا کمال ایمان و شامل مراتب «ایمان لفظی، ایمان تقلیدی، ایمان برهانی و ایمان کشفی عیانی».^۳

علامه محمدباقر مجلسی رحمته‌الله، پس از ذکر انواع معانی ایمان، دست‌کم در دو تعریف، به وجود مراتب مختلف ایمان اذعان داشته و به چگونگی افزایش ایمان اشاره می‌کند؛ از جمله در وجه سوم تعاریف ایمان، بر این اساس که ایمان، یک ادراک و عقیده حق درونی است و اعمال و اخلاق، شرط کمال ایمان هستند، مراتب کمال ایمان را در «اعتلای عملی» فرد می‌داند. همچنین در وجه چهارم تعریف ایمان، عمل را نه تنها جزء آن، بلکه نشانه ایمان

۱. مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ص ۲۳۹-۲۵۴.

۲. اوصاف الاشراف، ص ۹-۱۱.

۳. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۸.

معرفی کرده و افزایش ایمان را موجب تحول در اعمال فرد می‌داند و ضمن تقریر و تأکید ذومراتب بودن ایمان، نهایت ایمان را تا جایی که فرد به ایمان و یقین شهودی موفق گردد، ترسیم می‌نماید.^۱

علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمته‌الله در باره چگونگی ازدیاد ایمان چنین استدلال می‌نماید:

ایمان، عبارت است از معرفت و باور قلبی همراه التزام عملی، و با توجه به این که هم علم، قابل افزایش و کاهش است و هم عمل، و ایمان از این دو عنصر تشکیل شده، ایمان نیز قابل افزایش و کاهش است. بر این اساس، اختلاف مراتب و درجات ایمان، روشن و غیر قابل تردید است.^۲

ایشان در ذیل آیات (چهارم سوره فتح، دوم سوره انفال، نهم سوره نساء، دهم سوره حدید و ...)، به اختلاف مراتب ایمانی اشاره کرده و چهار مرحله آن را تبیین نموده که از ایمان زبانی آغاز شده و سپس در مرحله بعد، فرد به آرامش درونی می‌رسد و پس از آن قوای نفسانی اش را در برابر حق تسلیم و رام می‌نماید تا این که ایمان به مرحله پایانی و ایمان اولیاء الله می‌رسد. فرد، در آن مقام، به چنان معرفت و تسلیمی نایل می‌شود که یقین دارد جز به اذن خدا، هیچ موجودی، توان هیچ گونه تأثیرگذاری منفی یا مثبت ندارد. از این رو، از چیزی نمی‌ترسد و نسبت به مسأله‌ای اندوهگین نمی‌شود.

به طور خلاصه، در نگاه بسیاری از اندیشمندان شیعی، «ازدیاد ایمان» در واقع، «حرکت از یک مرتبه ایمان به مراتب بالاتر آن» است که گاه به واسطه «ازدیاد معرفت عقلی» رقم می‌خورد و گاه به سبب «تغییر کیفی و ماهوی منبع معرفتی» و تبدیل «ایمان مبتنی بر استدلال» به «ایمان شهودی». گاهی نیز «افزایش عمل» یا «التزام عملی» و «تسلیم کردن قوای نفسانی» منجر به «ازدیاد ایمان» می‌گردد.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. رشد ایمان در نظریه فاولر

دکتر جیمز فاولر (۱۹۴۰-۲۰۱۵م) استاد کلام و توسعه انسانی دانشگاه اموری^۳ و رئیس

۱. حق‌الیقین، ص ۵۳۸-۵۳۹.

۲. المیزان، ج ۱۸، ص ۲۵۸.

3. Emory.

مرکز پژوهش‌های ایمان و رشد اخلاقی و بخش اخلاق آن دانشگاه و نیز کشیش «کلیسای متدیست»^۱ آمریکا بود. شهرت او مدیون کتاب مراحل ایمان، منتشر شده در سال ۱۹۸۱م، و ارائه الگوی رشد شناخت پذیر برای ایمان است. فاولر نظریه خود را بر اساس نظریه‌های رشد پیاژه، اریکسون، گلبگ و مباحثه‌های دینی اندیشمندانی چون تیلیش، نی‌بوهر و اسمیت بنا نهاد و آن را «مراحل رشد ایمانی» نامید.

فاولر پس از مصاحبه‌های متعدد با آزمودنی‌ها و گوش سپردن به زندگی ۳۵۷ نفر مصاحبه شونده، بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱م، به این نتیجه رسید که «رشد ایمان همان رشد ایجاد معناست»، و پدیده‌ای جهانی و انسانی و تا اندازه‌ای غریزی است. او همچنین نشان داد که رشد ایمانی مسیری فکری و پیش‌بینی پذیر را دنبال می‌کند.^۲

وی در بیان ماهیت ایمان، گاهی آن را «فرایندی پویا از تعهدات» تعریف می‌کند که بر اساس آن، بر اعتماد و وفاداری، وابستگی و اعتماد به نفس، منابع ارزش، تصورات و واقعیت‌های قدرت خود تمرکز می‌کنیم.^۳ گاهی نیز آن را نوعی «شناخت» دانسته و می‌نویسد:

ایمان آن شناخت یا تفسیری است که به وسیله آن افراد، خود را مرتبط با شرایط نهایی وجودشان می‌شناسند.^۴

اکمان پی، سی. تام، شارح نظریه فاولر در مقاله «نظریه ایمان و هدایت معنوی» می‌نویسد:

فاولر برای ایمان سه ویژگی برمی‌شمارد: عام بودن، دانش بودن، و امری ارتباطی بودن.^۵ جیمز فاولر اعتقاد داشت که ایمان، به عنوان تجربه پویا برای نوع انسان تعریف شده و به شناسایی مذهب، محدود نیست. ایمان، از مذهب، مهم‌تر و ممکن است شامل مذهب هم نباشد.^۶

از نظر او ظرفیت و نیاز به ایمان، از ویژگی‌های ذاتی انسانی است و شامل ایمان

1. Methodist Church.

۲. «نظریه رشد ایمانی فاولر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۶۷.
۳. همان‌جا.

4. TOWARD A DEVELOPMENTAL PERSPECTIVE ON FAITH.

۵. «کاربرد نظریه مراحل توسعه ایمان جیمز فاولر در اسلام»، ص ۸۱۱-۸۶۷.
۶. مثلث ایمان، ص ۶۲.

مذهبی و نیز وفاداری به منابع ارزشی دیگر، مانند خانواده، کشور، حرفه و شغل نیز می‌شود.^۱

بر اساس نظر فاولر، علامت هر مرحله، افزوده شدن مجموعه‌ای جدید از شایستگی‌ها یا به عبارتی، تقویت ایمان است.^۲

سطوح رشد ایمانی، تمایزات مهمی را بسته به حد پیچیدگی ادراک افراد از خود، دیگران و موقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهند. رشد معنوی به سمت سطوح پیشرفته‌تری از ادراک، یکپارچگی، ساختن معنا و روابط میان فردی، گسترش می‌یابد.^۳

فاولر - که مصاحبه شونداگانش را از سنین مختلفی انتخاب کرده بود - پس از مشاهده‌اش به این نتیجه رسید: ایمان از بدو تولد تا پیری، در هفت مرحله رشد می‌کند که شامل یک پیش مرحله (ایمان نامشخص) و شش مرتبه دیگر ذیل است:

۱. ایمان شهودی - تصویری، ۲. ایمان اسطوره‌ای - واقعی، ۳. ایمان ترکیبی - عرفی، ۴. ایمان افرادی - تأملی، ۵. ایمان پیوند یا ربط‌دهنده، ۶. ایمان جهانی.^۴

وی به این نتیجه رسید که مراحل پایانی ایمان، تنها در سنین بالا رخ می‌دهد و از هر شش شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها، فقط یک نفر به مرحله پنجم رشد ایمانی راه یافته و این حالت تا قبل از میان سالی رخ نمی‌دهد.^۵

بنابراین، جیمز فاولر «چیستی رشد ایمان» را در قالب افزایش و بهبود مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و توانمندی‌های شناختی، اخلاقی و عاطفی و اجتماعی در طول عمر به تصویر کشیده است که مراحل متعالی آن (پنجم و ششم)، برای افراد اندکی و تنها پس از میان سالی واقع خواهد شد.

۲ - ۲. ازدیاد ایمان در احادیث اسلامی

برای درک چیستی «ازدیاد ایمان»، شناخت «ماهیت ایمان» لازم است و روایات به شکل‌های مختلفی این ماهیت را تبیین کرده‌اند.

۱. همان‌جا؛ «نظریه رشد ایمانی فاولر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۶۸-۶۷.

۲. «کاربرد نظریه مراحل توسعه ایمان جیمز فاولر در اسلام»، ص ۸۲۲.

۳. «نظریه رشد ایمانی فاولر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۷۰-۷۵.

۵. همان، ص ۷۵.

۲-۲-۱. احادیث دال بر معنای بسیط ایمان

برخی از احادیث، حقیقت ایمان را امری بسیط از جنس «سکینه و آرامش» دانسته‌اند.^۱ ازدیاد ایمان از این منظر، همان «افزایش توان فرد در حفظ و کنترل و هدایت هیجانات در شرایط مختلف، از جمله تنش‌ها و انواع کاستی‌ها، فزونی‌ها و امتحانات متنوع زندگی است». گاهی نیز ماهیت ایمان را از جنس «سرسپردگی» و «تسلیم نیکو» در برابر امر الهی معرفی نموده‌اند:

أصل الإيمان حُسْنُ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِ اللَّهِ.^۲

از این منظر، افزایش ایمان به معنای «افزایش تاب‌آوری در مقابل امر خداوند» است.

۲-۲-۲. ماهیت مرکب ایمان و اجزائی که «ازدیاد ایمان» به آن‌ها وابسته است

معصومان علیهم‌السلام در روایات متعددی، به ترکیب ساحت‌های «قلب» و «عمل» در تشکیل «ایمان» پرداخته‌اند که از این منظر، ازدیاد ایمان به رشد و تحولاتی در این اجزا وابسته خواهد بود؛ برای مثال از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل شده است:

الإيمان ما وَقَرَفِي الْقُلُوبِ، وَصَدَّقْتُهُ الْأَعْمَالُ، وَالْإِسْلَامُ مَا جَرَى عَلَى اللِّسَانِ، وَحَلَّتْ بِهِ الْمُتَاكُفَةُ؛^۳

ایمان چیزی است که در دل ثابت و ساکن می‌گردد و کردار آن را تصدیق می‌کند. و اسلام چیزی است که بر زبان جاری می‌شود و (احکامی چون) ازدواج به وسیله آن حلال می‌شود.

از عبارت «ما وَقَرَفِي الْقُلُوبِ» چنین برمی‌آید که جوهره ایمان، حقیقتی درونی است که «ثبات»، «سکینه»، وقار و تواضع قلبی ایجاد می‌نماید.^۴

افزون شدن ایمان در این تعریف متوقف بر «عمل و رفتار» صحیحی است که در ابعاد مختلف «فردی» و «اجتماعی» برعهده فرد نهاده شده است.

در روایات بسیاری - که در بیان چیستی ایمان آمده است - از ترکیبی شامل «گفتار»،

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۵.

۲. غرر الحکم، ص ۱۹۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰۸.

۴. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۱۲-۵۱۳.

«رفتار» و «شناخت» یا «عقد قلبی» نام برده شده است. گفتار یا همان اقرار، از نگاه مرسوم، مربوط به احکام اجتماعی مرتبط با پذیرش اسلام است؛^۱ اما دو بخش دیگر، اجزای اصلی و بنیادی ایمان یک مسلمان است که بدون هریک از آن دو، ایمان کامل نخواهد بود؛ برای نمونه، از امیرمؤمنان علیه السلام درباره ایمان پرسیده شد و حضرت فرمود:

ایمان، بر شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضا استوار است.^۲

این قسم از «تعریف ایمان» - که به نقش ساحات سه‌گانه «قلب»، «زبان» و «اعضا» پرداخته - به گونه‌های مختلفی در کلمات معصومین علیهم السلام وارد شده است. در حدیث امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

الإيمان قولٌ مقولٌ، وعملٌ معمُولٌ، وعِرْفَانُ العُقُولِ؛^۳

ایمان، سخنی است که گفته می‌شود، و عملی است که انجام می‌پذیرد، و عرفان و معرفتی است که عقل‌ها درمی‌یابند.

بر اساس این دسته از احادیث، تحقق ایمان در سه حوزه «قلب یا عقل»، «اعضا و جوارح» و «زبان»، به صورت سه کارکرد «شناخت»، «رفتار» و «گفتار» صورت می‌پذیرد. نکته قابل توجه در این نوع روایات، تأکید بر «معرفت قلبی و عقلی» در معرفی «ماهیت ایمان» است. در برخی دیگر از احادیث، به جای «معرفت» بر نقش ماهوی «عقد قلبی» تکیه کرده‌اند؛ برای مثال، از امیرمؤمنان علیه السلام، نقل شده است که:

... الإیمان إقرارٌ باللسان، وعقدٌ بالقلب، وعملٌ بالجوارح...؛^۴

ایمان اقرار به زبان و عقد با قلب و عمل با اعضا است.

این معنا نیز با الفاظی متفاوت در احادیث متعدد آمده است.^۵ این روایات «عقد قلبی» را در کنار «معرفت» و به عنوان چیزی غیر از آن، در هسته مرکزی ایمان می‌نشانند.

۱. اگر چه می‌توان بر اساس روایات، بین «رشد ایمان» و «تحولات گفتاری» تناسب معناداری یافت که در رساله دکتری «الگوی رشد ایمان بر پایه احادیث امیرمؤمنان علیه السلام و مقایسه آن با نظریه جیمز فاولر»، بدان پرداخته‌ایم، لکن به جهت محدودیت از ذکر این تحولات خودداری می‌نماییم.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۷.

۳. الامالی (مفید)، ص ۲۵۷.

۴. خصائص الانمه، ص ۱۰۰؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۵۴.

۵. الامالی (طوسی)، ص ۴۴۹ و ۴۵۱؛ تحف العقول، ص ۵۸؛ التوحید (صدوق)، ص ۲۲۹.

ابن فارس «عقد» را به معنای شدت و شدت اطمینان می‌داند.^۱ راغب اصفهانی نیز می‌نویسد:

گره زدن و جمع کردن سر و ته چیزی در اجسام سخت، مثل گره زدن طناب و درهم تنیدن اجزای ساختمان است که به استعاره در مفاهیم نیز به کار می‌رود؛ مثل: عَقْدُ البیع؛ پیمان خرید و فروش و هر پیمانی غیر از آن.^۲

بنابراین، در واقع «عقد قلبی»، نوعی «تعهد» و «دل بستن» ارادی است که اگرچه لزوماً از جنس دوستی نیست، ولی می‌تواند توأم با محبت هم باشد. با این حال، اصل این معنا از جنس عهد، پیمان، اطمینان، تسلیم، «نیت» و «خواستن» است، نه «دانش و شناخت». دقت در مسأله تفاوت «معرفت قلبی» و «عقد قلبی»، جایگاه متمایز این دو را در تعریف ایمان و تشکیل ماهیت آن روشن می‌کند.

در هر حال، با توجه به احادیث مذکور، ایمان، پس از اقرار زبانی به اسلام و متشکل از تحولاتی در ساحت «جوارح یا رفتار» و «قلب و عقل» است و برای درک چیستی «ازدیاد ایمان» لازم است چیستی رشد و تحولات این دو ساحت بررسی گردد.

۲ - ۳. تحولات «اجزای ایمان»

۲-۳-۱. تحولات «عمل و رفتار» در فرایند ازدیاد ایمان

احادیث، «عمل و رفتار» را «رکن ایمان» می‌دانند و گاهی همه آن: «الْإِيمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»^۳ و با وجود وابستگی رفتار به معرفت، معرفتی را که منجر به تغییر در عمل و رفتار نشود، اعتباری نمی‌نهند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا مَعْرِفَةَ إِلَّا بِعَمَلٍ، فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتُهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ، وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ، أَلَا إِنَّ
الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ؛^۴

شناخت، جز به عمل حاصل نمی‌شود. پس هر کس شناخت، شناختش او را به عمل رهنمون گردد و کسی که عمل نکرد، شناختی ندارد؛ چرا که اجزای ایمان از هم‌اند.

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۸۶.

۲. مفردات، ج ۲، ص ۶۲۶.

۳. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۴.

۴. دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۱.

روشن است که دامنه تحول «رفتار و عمل» گسترده است و افزون بر مناسک شرعی، طیف وسیعی از ارتباطات اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. در بسیاری از روایات، از رفتارهایی سخن گفته شده که فرد «معتقد» را به سبب رفتارهایی غیرعبادی از دامنه ایمان خارج نموده، یا در مراتب پایین آن قرار داده است؛ برای مثال، رسول خدا ﷺ فرمود:

لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ يَوْمَئِذِهِ؛^۱

کسی که همسایه‌اش از آزارهایش در امان نباشد، مؤمن نیست.

یا:

مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ لَا إِيمَانَ لَهُ.^۲

کسی که امانت دار نیست، ایمان ندارد.

همچنین:

نداشتن روحیه نرزش و همراهی با دیگران از ضعف ایمان است.^۳

این گونه روایات نشان می‌دهند که «رشد ایمانی» فرد، علاوه بر انجام مناسک عبادی، نیازمند تصحیح رفتارها و تعاملات اجتماعی نیز هست و تکامل و افزایش این اعمال، می‌تواند منجر به «ازدیاد ایمان» گردد. این برتری و رشد شاخص‌های مختلفی دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۲- ۳- ۱- ۱- مهار رفتار جوارح در مدار اراده الهی

در اصول الکافی احادیثی نقل شده که برای تحقق و کمال ایمان در انسان، هر عضو او را موظف به رفتار خاصی می‌داند؛ رفتاری که از طرف شارع برعهده هر عضونهاد شده و معیار و نشانه ایمان آن عضو است.^۴ در بخشی از این روایت، ابوعمرو زبیری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ... به من نمی‌فرمایید که آیا ایمان گفتار و کردار است یا گفتار بدون کردار؟ فرمود: «ایمان تمامش کردار است و گفتار هم برخی از کردار است که خدا واجب کرده ...». عرض کردم: قربانت کردم! ایمان را برایم شرح ده تا بفهمم. فرمود: «ایمان حالات و درجات و

۱. المؤمن، ص ۱۵۳.

۲. دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۷، ص ۳۶۸-۳۶۹.

۳. الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۱۵۰.

۴. اصول کافی (ترجمه مصطفوی)، ج ۳، ص ۵۵-۶۳.

طبقات و منازلی دارد که برخی از آن‌ها تمام است و به نهایت کمال رسیده (مانند ایمان اولیای خدا) و برخی ناقص است و نقصانش هم واضح است (مانند ایمان متجاهرین به فسق) و برخی راجح است و رجحانش هم زیاد است (مانند کسی که بیشتر وظایف ایمانی را انجام می‌دهد)». عرض کردم: مگر ایمان هم تمام و ناقص و زیاد می‌شود؟ فرمود: «آری». عرض کردم: چگونه؟ فرمود: «زیرا خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضای بنی آدم واجب ساخته و قسمت نموده و پخش کرده است، و هیچ عضوی نیست، جز آن که وظیفه‌اش غیر از وظیفه عضو دیگر است... و کسی که خدای ﷻ را ملاقات کند، در حالتی که تمام اعضایش را حفظ کرده و آنچه را خدای ﷻ بر هر یک از آن‌ها واجب ساخته انجام دهد، با ایمان کامل خدای ﷻ را ملاقات کند و او اهل بهشت است، و کسی که نسبت به برخی از آن‌ها خیانت روا دارد، یا از امر خدای ﷻ تجاوز نماید، با ایمان ناقص خدای ﷻ را ملاقات کند»^۱.

بنا بر حدیث مذکور، میزان رشدیافتگی ایمان فرد، با میزان «التزام جوارح» به اوامر و نواهی الهی، نسبت مستقیم دارد و مؤمن، با تربیت جوارح به این التزام، از نقص به کمال گذر کند.

۲ - ۳ - ۱ - ۲. فراوانی، استمرار و استقامت در عمل صالح

امام صادق علیه السلام، در روایتی «کثرت اعمال» را یکی از علائم افزایش درجات ایمان دانسته و می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ، وَبَعْضُهُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ... وَهِيَ الدَّرَجَاتُ؛^۲

همانا مؤمنین بعضی از بعض دیگر افضل‌اند، و بعضی از بعض دیگر نمازش بیشتر است... و همین است درجات ایمان.

تناسب رشدیافتگی ایمان و کثرت عمل از آن جهت است که «عمل بیشتر»، به طور معمول نیازمند «اراده قوی‌تر» است و اراده از مفاهیم بنیادین ایمان است. از همین رو است که «استمرار عمل صالح» و «استقامت» بر آن، دو شاخصه دیگر ارزش‌یابی رفتار و عملکرد ایمانی افرادند.

۲ - ۳ - ۱ - ۳. سیر عملی بر پایه معرفت و در مسیر معنا

کثرت عمل صالح هنگامی منجر به «ازدیاد ایمان» می‌گردد که توأم با «بصیرت و معرفت»

۱. همان‌جا.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۵.

به «معنای عمل» باشد؛ چنان‌که یکی از علل برتری مؤمن، بصیرت بیشتر دانسته شده است:
 ... وَ بَعْضُهُمْ أَنْفَذُ بَصَرًا مِنْ بَعْضٍ، وَ هِيَ الدَّرَجَاتُ.^۱

از این رو، برخی روایات، به مقصود و معنای مناسب و هدف از تشریح آن‌ها اشاره نموده‌اند. حضرت امیر علیه السلام در بخشی از حکمت ۲۵۲ در باره فلسفه احکام می‌فرماید:

خدا ... «نماز» را برای «پاک بودن از کبر و خودپسندی»، ... و «روزه» را برای آزمودن «اخلاص» بندگان و «حج» را برای عزت دین ... واجب کرد.^۲

این «ایجاد معنا» و آگاهی بخشی نسبت به «غایت عمل و رفتار» به قدری اهمیت دارد که فقدان آن می‌تواند کثرت و زحمت عمل را بی‌ارزش نماید و مانع از تأثیر عمل در «ازدیاد ایمان» گردد؛ چنان‌که آمده است:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا؛^۳

عامل بی‌بصیرت مانند مسافر خارج از راهی است که سرعتش جز به دوری بیشتر از راه نمی‌انجامد.

و امیرمؤمنان علیه السلام در حکمت ۱۴۵ می‌فرماید:

چه بسیار روزه‌داری که از روزه‌اش بیش از گرسنگی و تشنگی بهره نبرد و چه بسیار شب‌زنده‌داری که بهره‌ای جز بی‌خوابی نبرد. خوشا به خواب‌رندان و غذا خوردنشان.^۴

بنابراین، روزه، نماز و عبادت و عمل به فرایض یا سنن دینی، به تنهایی و بدون توجه به معنای غایی و هدف آن عمل، گاه تنها مشقتی برای بدن است و اثر قابل توجهی در ارتقای ایمان ندارد.

گفتنی است که اموری مانند: «سبق در خیر»، «مطابقت با سنت»، «دوری از خودنمایی و خودبینی» و نیز دیگر «ملاک‌های رشد و حسن عمل»، بیشتر از آن است که در این جا گرد آید.^۵

۱. همان جا.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۸۳.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۸.

۴. نهج البلاغه، ص ۶۵۸.

۵. در رساله «الگوی رشد ایمان بر پایه احادیث امیرمؤمنان علیه السلام و مقایسه آن با نظریه جیمز فاولر» ده ملاک رشد رفتار یا عمل بیان کرده‌ایم.

۲-۳-۲. تحولات «قلب و عقل» در فرایند ازدیاد ایمان

بر اساس روایات اسلامی، «عقل و قلب» در فرایند «ازدیاد ایمان»، دست‌کم از دو منظر به طور مستقیم دچار «تحول» منجر به ازدیاد ایمان می‌گردند: اول، از منظر شناختی؛ دوم، از جهت «تعهد ناشی از اراده و نیت». البته معمولاً پس از ایجاد تحولات «شناختی و نگرشی»، و تحقق «اراده و نیت» پذیرش در فرد، دو نوع تحول دیگر در «ساحت قلب» به وقوع می‌پیوندد که عبارت‌اند از: «تحولات عاطفی - هیجانی» و «تحولات اخلاقی»؛ برای مثال، در روایت است:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ، وَمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا؛^۱

کسی که خدا را درست بشناسد، دوستش خواهد داشت و کسی که دنیا را بشناسد، نسبت به آن بی‌رغبت و آزاده می‌گردد.

این روایت به روشنی به تحولات دو بُعد «هیجانی» و «اخلاقی» - که ناشی از «تحولات شناختی» است - اشاره می‌نماید.

شاید به سبب همین ملازمه در تحولات «شناختی و ارادی» با تحولات «اخلاقی و هیجانی» است که مجموعه تحولات شناختی، اخلاقی و هیجانی، به طور یک‌جا در روایات ذیل، با موضوع «کمال عقل» به چشم می‌خورند.

۲ - ۳ - ۲. رشد شناختی عقل و قلب

نقش اصلی «قلب و عقل» در تشکیل ماهیت ایمان، ادراک حقایق یا همان «معرفت و شناخت» است. بر این اساس «رشد و ازدیاد ایمان» منوط به «رشد عقل» و «دقیق شدن ادراک» و «اعتلای معرفت» است. از روایات نیز چنین برمی‌آید که «ضعف شناختی» از ویژگی‌های مراحل ایمان ابتدایی و ضعیف است؛ بدین معنا که به طور معمول، ایمان ابتدایی توأم با نوعی کاستی در شناخت امور متعالی و غیبی و فراحسی است، یا فرد خود را در این امور نیازمند تأیید دیگران می‌بیند. توقف در چنین مرحله‌ای پسندیده نیست و سازماند تویخ است؛ چنان‌که از پیامبر ﷺ روایت شده که:

همانا خدای عزیز و بزرگ مؤمن ضعیف را که دین ندارد ناخوش می‌دارد.

پرسیده شد: مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۵۲.

فرمود: کسی که عقل ندارد.^۱

روایت دیگری می‌گوید:

کفر چیزی جز کم‌خردی نیست.^۲

این ضعف عقلی سبب می‌شود که گاه فرد تصویری کودکانه از خداوند داشته باشد و او را با صفات مخلوقات بپندارد؛ امری که مورد اعتراض معصومین علیهم‌السلام قرار گرفت.^۳ رشد عقلی و ایمانی، این ضعف را برطرف می‌کند و انسان به این شناخت دست می‌یابد که خدا منزله از ویژگی‌های مخلوقات است؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه‌السلام در خطبه اول نهج البلاغه، به ارائه سیری تربیتی و مراحل رشد معرفت انسان نسبت به خداوند می‌پردازد. آیه الله مکارم شیرازی در ذیل این خطبه می‌نویسد:

در این فراز، پنج مرحله برای معرفت و شناخت خداوند ذکر فرموده که می‌توان آن‌ها را این‌گونه خلاصه کرد: ۱. شناخت اجمالی و ناقص، ۲. شناخت تفصیلی، ۳. مقام توحید ذات و صفات، ۴. مقام اخلاص، ۵. مقام نفی تشبیه.^۴

البته رشد شناختی لازم برای ازدیاد ایمان، صرفاً در موضوع خداشناسی نیست و جهات گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد؛ از جمله این‌که فرد با ازدیاد معرفت باید توانایی تمییز امور متشابه را به دست آورد. در غیراین صورت، به مدارج عالی معرفتی و ایمانی نمی‌رسد. امیرمؤمنان علیه‌السلام، در حکمت ۱۴۷ در تقسیم مراتب جویندگان معرفت به کمیل فرمود:

گروهی تسلیم حاملان حق هستند، اما ژرف‌اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند؛ با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند.

حضرت این نوع افراد را شایسته دریافت معارف بالایی خود نمی‌داند^۵ و چنان‌که در حکمت ۳۱ نیز آمده است، «بصیرت» از لوازم رسیدن به یقین است.^۶ بنابراین، نداشتن ژرف‌اندیشی، مانع ازدیاد ایمان و داشتن این مهارت و توانایی از لوازم ازدیاد ایمان است.

۱. معانی الاخبار، ص ۳۴۴.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۸.

۳. شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۳۹۸.

۴. پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ج ۱، ص ۸۲.

۵. نهج البلاغه، ص ۶۶۱.

۶. همان، ص ۶۲۸.

۲ - ۳ - ۲ - ۲. رشد اخلاقی ناشی از رشد عقلی

برخی روایات نشان می‌دهد که هر اندازه «رشد اخلاقی» فرد بیشتر باشد، «رشد ایمانی» او بیشتر خواهد بود؛ چنان‌که در روایتی صحیح‌السند از امام باقر علیه السلام آمده است:

إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا.^۱

همچنین، روایت مشهور جنود عقل و جهل - که در باره عقل و ضد آن جهل است - بیش از هفتاد فضیلت اخلاقی را فرا می‌آورد که بر اساس بخش پایانی روایت، عوامل رشد ایمان نیز هستند؛ رفتارها و صفات روحی‌ای مانند متانت، اعتدال و میانه‌روی، رازداری، حیا، شادابی، انصاف، سخاوت و ...^۲

امام صادق علیه السلام در پایان این حدیث می‌فرماید:

تمام این صفات - که لشکریان عقل‌اند - جز در پیغمبر و جانشین او و مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده، جمع نشود؛ اما دوستان دیگر ما برخی از این‌ها را دارند تا به تدریج همه را دریابند و از لشکریان جهل پاک شوند؛ آنگاه با پیغمبران و اوصیایشان در مقام‌اعلی همراه شوند. و این سعادت جز با شناختن عقل و لشکریانش و دوری از جهل و لشکریانش به دست نیاید.^۳

بنا بر این حدیث، ازدیاد ایمان و نایل شدن به مقام و مرتبه والای «مؤمن ممتحن (آزموده)»، به «شناخت» همه کمالات و شاخص‌های مثبت عقلی و به تبع اخلاقی، و رهایی از همه موانع ضد عقلی و ردایل اخلاقی مذکور در این حدیث وابسته است. «ازدیاد ایمان»، تحقق همین کمالات اخلاقی عاقلانه و رهایی از موانع غیر اخلاقی و جاهلانه است. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از شاخص‌های مذکور، از امور ذومراتب و متنوع بوده و این چندلایگی شاخص‌ها، خود منجر به مراحل مختلف ایمان خواهد گردید. امام خمینی رحمته الله علیه به مرتبه دار بودن هفت خصلت: رضا، شکر، توکل، زهد، خوف، تواضع و صبر اشاره می‌کند.^۴ از این منظر، هر قدر در تربیت خویش، به تثبیت و تحقق مراتب بالاترین صفات موفق تر باشیم، ایمان مان فزون‌تر می‌گردد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱-۲۳؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۸.

۳. همان.

۴. شرح جنود عقل و جهل، ص ۱۶۶، ۱۸۲، ۲۱۲، ۲۹۴، ۳۲۶، ۳۳۴ و ۴۱۱.

۲ - ۳ - ۲ - ۳. تقویت عقد قلبی با «افزایش اراده» و «خالص سازی نیت»

گفته شد که بر طبق احادیث، بنیاد ایمان در «ساحت قلب»، علاوه بر «معرفت»، وابسته به ایجاد و رشد «عقد و عزم قلبی» و تقویت «اراده» بوده و می توان آن را نیز از مؤلفه ها و شاخص های اصلی «ازدیاد ایمان» دانست؛ چنان که مثلاً در برخی روایات، «ضعف اراده» در مقابله با بدی، همانند «کم خردی»، مذموم، و از نشانه های «ضعف ایمان» دانسته شده است؛ چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معرفی مؤمن ضعیف فرمود:

کسی که از بدی باز نمی دارد (و با آن مخالفت نمی کند).^۱

و نیز به نظر می رسد، همچنان که «تقویت» و «تشدید» اراده به جهت تأثیر «کمی» در «عقد قلبی» ارتباط مستقیمی با «رشد ایمان» دارد، «خالص سازی اراده» و بهبود و تعالی «کیفی» انگیزه نیز - که در روایات تحت عنوان «اخلاص» یا «نیت» و مانند آن مطرح می شود - نسبت جدی با «رشد ایمان» داشته و از شاخص های پراهمیت است. امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام، در حدیث ارزشمند خود به هشام بن حکم فرمود:

كَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ، فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ إِلَّا بِالنِّيَّةِ الصَّادِقَةِ، وَلَا تَثْبُتُ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ؛^۲

همچنان که بدن جز با نفس و روح زنده برپا نمی ماند، دین نیز جز با نیت و انگیزه صادقانه برپا نمی ماند و نیت صادقانه نیز جز با عقل محقق نمی شود.

از برخی روایات امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز چنین برمی آید که از اساسی ترین معیارها در تعیین رتبه ایمانی انسان ها «نیت» آنان است؛ چنان که فرمود:

عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النِّيَّةِ؛

به میزان نیروی دین داری، نیت خالص می شود.

و

تَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِإِخْلَاصِ نِيَّتِهِ؛^۳

نزدیکی بنده به سوی خدای سبحان، به وسیله اخلاص در نیت اوست.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۹.

۲. تحف العقول، ص ۳۹۶.

۳. غرر الحکم، ص ۹۳.

بر همین اساس، در روایات معصومین علیهم‌السلام، عبادت‌کنندگان، بر طبق «انگیزه و نیت» به سه دسته تقسیم شده‌اند: عبادت بردگان، با انگیزه ترس از عذاب - که در کمترین مرتبه قرار دارد - و عبادت تجارت‌پیشه‌گان به اشتیاق پاداش و عبادت آزادگان از سرعشق به خدا و با اخلاص کامل.^۱ لذا «تعالی انگیزه» و «تصفیه نیت» از انواع شائبه‌ها و شرک خفی، در امتداد «رشد کیفی اراده» و خالص‌سازی عقد قلبی، «ازدیاد ایمانی» فرد را رقم می‌زند.

۲ - ۳ - ۲ - ۴. رشد عاطفی و هیجانی؛ حب و بغض و ...

روایات اسلامی، هیجان‌ات انسانی، مانند ترس، خشم، غم، شادی، دوستی، شرم و حیا و ... را مرتبط با ایمان و سبب ازدیاد و کاهش آن دانسته‌اند و رشد عاطفی و هیجانی، جزئی الزامی از فرایند «ازدیاد ایمان» است. چند نمونه می‌آوریم.

الف) دوستی و دشمنی با انسان کامل ملاک ایمان و کفر

از روایات اسلامی برمی‌آید که نوعی از عشق و دوستی با حقیقت ایمان ممزوج بوده و به تعبیری خود «ایمان» است و نوعی از بغض و انزجار نیز، معارض با ایمان است و در حد «نفاق» و «کفر». برای مثال «عشق» یا «نفرت» نسبت به انسان کامل، نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام عین «ایمان» یا «کفر» است. چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: دوستی با علی علیه‌السلام ایمان و دشمنی با او کفر است.^۲ و گاهی فرمود: دشمنی با او نفاق است.^۳ و یا دوستی و دشمنی با الگوهای کامل انسانیت یعنی اهل بیت علیهم‌السلام، چنان‌که در روایات آمده؛ همان ایمان و کفر است؛^۴ لذا با توجه به نقش ماهوی این هیجان‌ات، - دست‌کم در لایه‌های بالاتر ایمان، - ازدیاد هیجان حب نسبت به انسان کامل و دستورات و منهیات وی، و نیز تنظیم رضایتمندی و ناخرسندی فرد با افعال و حالات وی علیه‌السلام، به طور مستقیم در ازدیاد ایمان اثرگذار است.

ب) دوستی و دشمنی برای خدا، شاخص ایمان

برخی روایات اسلامی «دوستی و دشمنی برای خدا» را از ایمان دانسته و فرد فاقد این شاخصه عاطفی و هیجانی را با وجود نماز و روزه فراوان، «بی‌بهره از ایمان» معرفی می‌نماید.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۴.

۲. بشاره المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ص ۲۰؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۸۶.

۳. الامالی (صدوق)، ص ۴۴۱.

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره نقل می‌کند که: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از یارانش فرمود:

يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَحَبُّ فِي اللَّهِ، وَ أَبْغَضُ فِي اللَّهِ، وَ وَالٍ فِي اللَّهِ، وَ عَادٍ فِي اللَّهِ، فَإِنَّهُ لَا تُنَالُ وَلَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ، وَلَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ، وَ إِن كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ!

ای بنده خدا، برای خدا دوست بدار، و برای خدا نفرت بدار، و برای خدا دوستی بورز، و برای خدا دشمنی کن؛ چرا که جز با این کار به ولایت خدا نتوان رسید. و هیچ مردی «طعم ایمان» را نچشد، هر چند نماز و روزه‌هایش بسیار باشد، مگر آن گاه که چنین باشد.

ج) افزایش مردم دوستی، شاخص ازدیاد ایمان

پس از این که جهت هیجان دوستی در فرد «خشنودی خدا» شد، هر چه این دوستی در روابط انسانی شدت یابد، برایمان فرد افزوده می‌گردد؛ همچنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

ما التقى مؤمنان قط، إلا كان أفضلهما أشد حبا لصاحبه؛^۲

هیچ‌گاه دو مؤمن با یکدیگر دیدار نمی‌کنند، مگر این که برترین آن دو کسی است که دوستش را بیشتر دوست دارد.

نکته دیگر در رشد هیجانی آن است که بر اساس روایات، عدم کنترل هیجانات و ناتوانی در هدایت و تعلق آن‌ها به امور و موارد لازم و معقول، منجر به اختلال در معرفت و بالتبع کاهش ایمان می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله «کنترل خشم» و «نگهداری زبان» را جزو هفت شرط لازم برای کمال ایمان دانست.^۳ همچنین از ایشان نقل است:

الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ، كَمَا يُفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ وَ كَمَا يُفْسِدُ الْحُلُّ الْعَسَلَ؛^۴

غضب ایمان را فاسد می‌کند؛ آن چنان‌که صبر (عصاره درختی است که تلخ است) عسل را، و آن چنان‌که سرکه عسل را.

۱. معانی الاخبار، ص ۹۶-۹۷.

۲. روضة المتقين، ج ۹، ص ۳۹۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۹.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۲.

و برخی روایات دیگر نیز میل و ترس و خشم نابجا را از ارکان و مقومات کفر می‌داند:

أَرْكَانُ الْكُفْرِ أَرْبَعَةٌ: الرُّعْبَةُ وَالرَّهْبَةُ وَالسَّخَطُ وَالغَضَبُ.^۱

از آن جا که مفهوم ایمان و کفر دو مقوله متضاد هستند، «ازدیاد ایمان»، منوط به رفع کفر و مقومات آن است و هیجان‌ات منفی یا خارج از کنترل می‌توانند از موانع ازدیاد ایمان باشند. در واقع، افزایش ایمان، توأم با آرامشی است که هریک از «هیجان‌ات» را در کنترل «نیروی عقل» فرد قرار می‌دهد و در صورت رشد یافتگی ایمان، همه هیجان‌ات، حتی هیجان‌ات به ظاهر منفی (مانند خشم و غم)، تنها در حریم و مسیری فعالیت می‌کنند که مورد تأیید و رضایت شارع است. شاید بتوان مدح «غضب لله» و دشمنی با بدکاران در راه خدا را براساس احادیث، از رشد یافتگی همین نوع هیجان‌ات دانست که مورد تأیید خداوند قرار می‌گیرد:

مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضَبًا؛^۲

کسی که برای خدا خشم گیرد، خدا به خاطر او خشمگین می‌گردد.

البته بحث در این موضوع بسیار گسترده‌تر از موارد ذکر شده است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه در طول تاریخ، درباره «مفهوم ازدیاد ایمان» گفت‌وگوهای زیادی صورت پذیرفته است، لکن چنان‌که بیان شد، اغلب این بحث‌ها در ذیل مباحث کلامی و گاه نیز با نگرش فلسفی و عرفانی تقریر شده است. روایات معصومین علیهم‌السلام نیز، گاهی مستقیم و گاه غیرمستقیم و از طریق تبیین اجزا و ارکان شناختی، رفتاری، عاطفی و ... به بیان «چیستی ایمان و ازدیاد آن» پرداخته‌اند. از مجموع روایات چنین برمی‌آید که «ازدیاد ایمان از منظر روایات اسلامی: تحقق، تثبیت و تعالی شاخص‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، اخلاقی، اجتماعی و عبادی ایمان در ساحت‌های وجود انسان (شامل عقل و قلب و جوارح) است» که این مقاله عمدتاً به ابعاد «غیرعبادی» ایمان پرداخت.

براساس احادیث، دست‌کم وجود سه مرحله برای ایمان روشن است: «ایمان اولیه یا ضعیف»، «ایمان مقبول» و «ایمان متعالی». «ازدیاد ایمان» برای حرکت از مرحله اول به مرحله دوم - که همراه با زدودن ویژگی‌های معارض ایمان، مانند شک و توهم نسبت به

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۱.

خداوند (ضعف شناختی)، نفاق و چندرویی با مردم و در روابط اجتماعی و سستی اراده در برپایی قوانین فردی و اجتماعی و ناپایداری عاطفی و هیجانی است - الزامی و برای مرحله سوم یا ایمان متعالی، مطلوب و با ارزش بوده، لکن برای عموم مردم غیرالزامی است. تعریف فاو لراز «رشد ایمان» همانند تعریف بالا نیست، اما هم‌سوئی‌ها و شباهت‌هایی دارد؛ از جمله این‌که:

یک. در تعریف هر دو نگاه، ایمان نوعی «معرفت» و «دانش» است. بنابراین، ازدیاد و رشد ایمان، معمولاً ملازم با افزایش «بینش و معرفت» است.

دو. ایمان، علاوه بر دانش، مبتنی بر «عقد و پیمان قلبی»^۱ و به قول فاو لزر «مجموعه‌ای از تعهدات» است.^۲ در نتیجه، «قدرت اراده» و میزان «مقاومت و پایداری» فرد، هم‌طراز با میزان رشد و ازدیاد ایمان بالا خواهد رفت.

سه. ذومراتب بودن ایمان در هر دو رویکرد روشن است.

چهار. افزایش توان ادراکی فرد و شناخت وی نسبت به خداوند و صفات او و تنزیه او از صفات جسمانی و بشری در هر دو رویکرد، توأم با «رشد ایمان» به چشم می‌خورد.^۳ پنج. رشد اخلاقی و دست‌یابی به فضایل والایی چون انصاف، صداقت، ایثار، نوع دوستی، صبر، مقابله با بدی، زهد و آزادگی، بصیرت، ژرف‌اندیشی و ... در هر دو رویکرد به چشم می‌خورد.^۴

شش. در هر دو رویکرد، رشد عاطفی و هیجانی توأم با ازدیاد ایمان وجود دارد؛ با این تفاوت که روایات اسلامی اولاً، «ازدیاد ایمان» را در حیطه اسلام و پس از پذیرش شریعت تعریف می‌نمایند و اساساً بخشی از فرایند استکمالی ایمان را تنها در گرو رابطه معرفتی و هیجانی با انسان کامل و فهم عمیق دین ممکن می‌داند.^۵ ثانیاً، علی‌رغم دیدگاه فاو لزر در ارتباط با وابستگی الزامی رشد کامل ایمان به طول عمر و رسیدن به دوره میان‌سالی،^۶ بر اساس روایات، ازدیاد و کمال ایمان نسبت قطعی با طول عمر نداشته، بلکه تنها «زمینه

۱. خصائص الانمه، ص ۱۰۰.

۲. «نظریه رشد ایمانی فاو لزر به عنوان چهارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۶۷.

۳. پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ج ۱، ص ۸۲؛ مثلث ایمان، ص ۶۲.

۴. نهج البلاغه، ص ۴۷۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۶؛ مثلث ایمان، ص ۶۳.

۵. دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۸، ص ۷۸.

۶. «نظریه رشد ایمانی فاو لزر به عنوان چهارچوبی برای تربیت دینی»، ص ۷۵.

ازدیاد ایمان» را فراهم می‌آورد و این امکان وجود دارد که فرد با تلاش در مسیر تربیت نفس، حتی در «دوره جوانی» به مراحل عالی ایمان نایل گردد؛ برای نمونه، در روایات از شخصی «شاب» (جوان) یاد می‌شود که به «حقیقت ایمان» یا «یقین» راه یافته بود و مورد تأیید و دعای خیر پیامبر ﷺ قرار گرفت.^۱

کتابنامه

قرآن کریم.

اصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: سید جواد مصطفوی. تهران: علمیه اسلامیة، اول، ۱۳۶۹ش.

الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافه، اول، ۱۴۱۴ق.

الامالی، محمد بن علی بن بابویه الصدوق، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.

الامالی، محمد بن محمد مفید، تصحیح: علی اکبر غفاری، حسین استادولی. قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.

اوصاف الاشراف، خواجه نصیرالدین محمد بن محمد الطوسی، تصحیح: سید مهدی شمس الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.

بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دارالاحیاء لتراث الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۳ق.

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، عمادالدين طبري آملی، نجف: مكتبة الحيدريه، دوم، ۱۳۸۳ق.

پیام امام امیرالمؤمنین عليه السلام، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران: دارالکتب الاسلامیه، هشتم، ۱۳۹۵ش.

تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق.

تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مصحح: محمد خواجهوی، قم: انتشارات بیدار، دوم، ۱۳۶۱ش.

تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، قم: مكتبة فقيه، اول، ۱۴۱۰ق.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۳.

- التوحيد، محمد بن علي بن بابويه صدوق، مصحح: هاشم حسني، قم: جامعه مدسين، اول، ۱۳۹۸ق.
- الجعفریات (الاشعشيات)، محمد بن محمد بن اشعث، تهران: مكتبة النينوى الحديثه، اول، بی تا.
- حق اليقين، محمد باقر مجلسي، تهران: علميه اسلاميه، بی تا.
- خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، شريف رضى محمد بن حسين موسوى، محقق: محمد هادى امينى، مشهد: آستان قدس رضوى عليه السلام، اول، ۱۴۰۶ق.
- دانشنامه عقايد اسلامي، محمد محمدى رى شهري، قم: دارالحدیث، دوم، ۱۳۸۶ش.
- دانشنامه قرآن و حدیث، محمد محمدى رى شهري، ترجمه: حميدرضا آژير، حميدرضا شينخى، قم: دارالحدیث، دوم، ۱۳۹۱ش.
- دعائم الاسلام فى ذكر الحلال و الحرام، نعمان بن محمد بن خيئون تميمى مغربى، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ق.
- روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسي، مصحح: حسين موسوى كرماني، على پناه اشتهاردى. قم: مؤسسه فرهنگى كوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ق.
- شرح حديث جنود عقل و جهل، سيد روح الله موسوى خمينى، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام، يازدهم، ۱۳۸۶ش.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد معتزلى، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم. قم: مكتبة آية الله مرعشى نجفى، اول، ۱۴۰۴ق.
- صحيفة السجادية، امام سجاد على بن الحسين عليه السلام، قم: الهادى، اول، ۱۳۷۶ش.
- العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم: هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
- غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد بن محمد تميمى آمدى، محقق: سيد مهدى رجايى، قم: دارالكتب اسلامي، دوم، ۱۴۱۰ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، تصحيح: على اكبر غفارى، محمد آخوندى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لسان العرب، محمد بن مكرم بن منظور، محقق: جمال الدين ميردامادى. بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مثلث ايمان. محمد على مظاهرى و ديگران، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۹۰ش.
- مجمع البحرين، فخرالدين بن محمد الطريحي، مصحح: احمد حسيني اشكورى، تهران: مرتضوى، سوم، ۱۳۸۵ش.

- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، مصحح: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
- المحیط فی اللغة، صاحب بن اسمعیل بن عباد، محمد حسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴ق.
- مصباح الشریعه، (منسوب به) امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۰۰ق.
- معانی الاخبار، محمد بن علی بن بابویه صدوق، ترجمه: حمید رضا شیخی، تهران: ارمغان طوبی، اول، ۱۳۸۹ش.
- معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس بن زکریا، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
- مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه: حسین بن محمد راغب اصفهانی، غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، دوم، ۱۳۷۴ش.
- مفهوم ایمان در کلام اسلامی، توشی هیکوایزوتسو، ترجمه: زهرا پورسینا. تهران: سروش، چهارم، ۱۳۹۶.
- من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- المؤمن (مؤمن کیست؟)، حسین بن سعید کوفی اهوازی، ترجمه: عبدالله صالحی، قم: نور السجاده علیه السلام، اول، ۱۳۸۶ش.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ق.
- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حسین بن محمد حلوانی، قم: مدرسة الامام مهدی (عج)، اول، ۱۴۰۸ق.
- نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین موسوی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، اول، ۱۳۷۹ش.
- «تحلیل معرفت محورانه مراتب ایمان در فلسفه ملاصدرا»، سید محمد کاظم علوی، حکمت و فلسفه، ۱۳۹۳، شماره ۳۸.
- «کاربرد نظریه مراحل توسعه ایمان جیمز فاولر در اسلام»، غلامرضا متقی فرو همکاران، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، ۱۳۸۸ش.

«مراتب ایمان از نظر علامه طباطبائی»، عزیزالله افشارکرمانی، پژوهش نامه قرآن و حدیث،
۱۳۹۵، شماره ۱۸.

«نظریه رشد ایمانی فاولر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی»، احمد زنداوانیان و دیگران،
ادیان و عرفان، ۱۳۹۴، شماره یکم.

TOWARD A DEVELOPMENTAL PERSPECTIVE ON FAITH. Fowler. James W, 1974.